

بقراط

متن مقاله (بقراط) در همایش جایزه ملی بقراط سال ۱۳۹۲

محمد تقی سرمدی مدیرانتشارات سرمدی

دریافت کننده نشان برنزین بقراط سال ۱۳۹۲

بقراط

Hippocrate

چکیده

اخلاط

کار سترک

سوگندنامه بقراط

مقام شامخ بقراط

منابع وماخذ

بقراط متولد حدود ۴۶۰ ق.م و متوفی حدود ۳۸۷ ق.م (بزرگترین پزشک جهان باستان که طریقه طبابت وی مبتنی بر فساد امزجه است ، پزشکی به شیوه نوین توأم با اخلاق را بینان نهاد، فرضیه مایعات بدن را مطرح و به مرحله اجرا گذاشت. مهمتر از همه حصاری رفیع و مستحکم میان دانش پزشکی و فلسفه و دین بر افراشت

در زمان فرمانروایی پریکلس (ولادت ۴۹۵ – فوت ۴۲۹ ق.م) بزرگترین رویداد علمی یونان نیز پیدایش « پزشکی عقلانی » بود. در آن زمان درمان بیماری ها در دست کاهنان معابد اسقلیبوس بود و معالجات نیز ترکیبی بود از طب تجربی و مراسم و مشتی اوهام و خرافات. در حقیقت طب عقلانی با طب غیرواقعی رقابت می کردند، اما هر دو گروه اصل خود را به اسقلیبوس (اسکولاپ = خدای پزشکی) نسبت می دادند، و پزشکان واقعی که مثل شفابخشان دینی ادعای معالجات معجزه آمیز نداشتند، رفته رفته پزشکی را براساس عقلانی و منطقی و متسحکم قرار دادند

در این دوره طب عقلانی در چهار مدرسه زادگاه بقراط و کنیدوس در آسیای صغیر و کروتونا در ایتالیا و مدرسه سیسیل رو به کمال نهاد . البته آگاهی هایی نیز در دست است که پیش از عصر طلایی پریکلس ، دموکدس در آیکینا، آتن، ساموس و شوش به کار پزشکی . اشتغال داشت و داریوش پادشاه ایران و آتوسا ملکه ایران را معالجه کرد

سویداس حدود ۹۷۰ م) فرهنگنامه نویس یونانی درباره بقراط نوشته است، چنین بر می آید که وی بزرگترین پزشک عصر خود بوده است.

پدر بقراط طبیب بود و در میان بیماران پدرش، گردشگران بسیاری نیز برای بهره مندی از چشمه های آب گرم (زادگاه بقراط) بدانجا می آمدند. بقراط در چنین محیط و فضایی پرورش یافت و به موازات آن به یاد گرفتن پزشکی نظری و عملی نیز همت گماشت. بقراط در کار پزشکی چنان نامدار شد که پادشاه مقدونیه و اردشیر اول شاهنشاه ایران جزو بیماران وی گردیدند

کار سترک. کار بسیار بزرگی که بقراط و پیروان پزشکی عقلانی وی انجام دادند، رها ساختن پزشکی از قید مذهب و فلسفه بود. بقراط با تألیف «رساله بیماری مقدس» با عقیده دخالت خدایان در به وجود آمدن بیماری ها مخالفت ورزید و گفت: «هر بیماری را علتی طبیعی سبب می شود؛ حتی بیماری صرع که به عقیده عموم از حلول شیطان در جسم پدید می آید همین گونه است»

بقراط در ادامه گفتار حکیمانه خود می نویسد: «مردم همچنان معتقد هستند که بیماری صرع از جانب خدایان نازل می شود، زیرا از درک آن علت عاجز هستند... طبیبان مردم فریب که برای این بیماری درمانی نمی شناختند، خود را در پس خرافات پنهان می ساختند و این مریض را مقدس می خواندند تا جهل شان پوشیده بماند.» در مجموع رأی بقراط بر آن بود که فلسفه و مذهب در پزشکی جای ندارد و اساس کار پزشکی باید بر مشاهدات دقیق و ثبت حالات و موارد مخصوص مبتنی باشد

اخلاط درباره «اخلاط اربعه» (خلط های چهار گانه) که در گذشته های نه چندان دور شهرت بسیار داشت نشانگر خصومت بقراط با فلسفه است. او می گوید: «بدان آدمی مرکب است از خون، بلغم، صفرا و سودا؛ سلامت کامل وقتی حاصل می شود که این چهار خلط به نسبت صحیح به هم بیامیزند. از افزایش یا کاهش هر یک بیماری و درد و ناخوشی پدید می آید. و هر گاه یکی از آنها از سه عنصر دیگر جدا و منفصل گردد، باز موجب اختلال می شود.» این نظریه سالها دوام یافت تا آن که در قرن گذشته از اعتبار افتاد. سعدی شاعر بلند آوازه قرن هفتم هجری قمری ایران عقیده به اخلاط اربعه سقراط به صورت اشعاری دلچسب و علمی درآورده که چنین است

چهار طبخ مخالف و سرکش

چند روزی شوند با هم خویش

گر یکی زین چهار شد غالب

جان شیرین برآید از قالب

چون در زمان بقراط عقیده بر این بود که ترکیب اخلاط چهارگانه به غذا و آب و هوا بستگی دارد و نیز از آنجایی که در شهرهای یونان سرماخوردگی و ذات الریه و مالاریا بسیار شایع بود، از این رو رساله ای زیر عنوان «آب، هوا، و مسکن» نوشت و رابطه آنها را با سلامت انسان تشریح کرد. در این اثر پزشکی او می نویسد: «انسان می تواند با اعتماد کامل بدن خود را در برابر سرما قرار دهد، به شرط آنکه بعد از غذا و بعد از ورزش نباشد... بدن انسان خوب نیست که در معرض سرمای زمستان قرار نگیرد.» بر پزشک علمی واجب است که به هر کجا رسد، در چگونگی بادهای و فصول به مطالعه بپردازد و آب انبارها و خاک را مورد تحقیق قرار دهد و تأثیر این عوامل را در جمعیت آن نواحی بسنجد

بقراط نه تنها به درمان اعضای بدن بیمار می پرداخت بلکه نسبت به کلیه شرایط و اوضاع شخص بیمار توجه کامل داشت. چون عقیده داشت «بدن انسان مانند دایره ای است که هر قسمت آن از آغاز تا پایان قابل توجه و دارای اهمیت و ارزشی است که بایستی نسبت به آن از هر لحاظ توجه داشت و ابتلای یک قسمت از بدن ممکن است تمامی اعضای بدن را بیمار و گرفتار سازد.» بعلاوه این حکیم بزرگ معتقد بود که رفتار گرم و انسانی پایه اصلی طبابت است و از این رو کلیه فعالیت های درمانی باید بر آن متکی باشد. در حقیقت هدف اصلی درمان مشاهده و ملاحظه طبیعت و ساختمان و موقعیت زندگی در زمینه معالجه با کمک اقدامات درمانی طبیعی است

سوگند نامه بقراط. بزرگترین و ارجمندترین سهم بقراط در پزشکی اعتقاد و ایمان قوی او به اصول اخلاقی است. از این رو اخلاقیات را باتاکید بسیار زیاد در پزشکی دخالت داده و بر شأن و منزلت حرفه پزشکی افزوده است. چون او معتقد بود که در کنار طبابت اخلاق نقشی چشمگیر دارد و فقط با درمان یک بیمار کار طبیب تمام نمی شود بلکه اخلاقیات هم باید همراه و همسفر درمان باشد. بدین جهت عمل کردن به سوگند نامه پزشکی می تواند تکمیل کننده کار یک پزشک عالم و با ایمان باشد. سوگندنامه بقراط که تا امروز مورد عمل بوده است

مقام شامخ بقراط. به عقیده افلاطون (۴۲۷-۳۴۷ ق.م) فیلسوف یونانی و طبق نظر ارسطو دیگر فیلسوف بزرگ یونانی بقراط پزشک ممتازی در میان بسیاری از پزشکان برجسته دیگر بود. آنگاه بعد از تولد مکتب اسکندریه او را به همراه پراکزگوراس و کریزیپوس با صلاحیت ترین شخصیت پزشکی در پرهیز غذایی و طب و طبابت به شمار می آورند. اما با گذشت زمان به تدریج شهرت بقراط رو به افزایش گذاشت به طوری که مردم نظر پزشکی او را بیشتر از حکما و پزشکان دیگر می پذیرفتند و معالجات بقراط را بی بدیل می دانستند هنگامی که قرن دوم میلادی فرارسید و پزشک بزرگ دیگری به نام جالینوس ظهور کرد و بقراط را به عنوان یک طبیب ایده آل شناخت مقام و الایش تا زمان ما محفوظ ماند

در پایان لازم میدانم از ارکان اربعه طب اسلامی (ستونهای چهار گانه مسلمان ایرانی) ابن رین طبری، زکریای رازی ، شیخ الرییس ابو علی سینا و اهوازی (۳-۶ قمری) و همچنین سید اسماعیل جرجانی چهرهای درخشان جهان یادی کنم

: منابع و مأخذ

ویل دورانت، تاریخ تمدن، یونان باستان، ترجمه امیرحسین آریان پور ، فتح اله مجتبابی و هوشنگ پیرنظر، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۵ ، چاپ ششم، صفحه ۳۸۱ - ۳۸۷

. گرهارد فنتنرمر، پنجهزار سال پزشکی، ترجمه سیاوش آگاه، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ، تهران ، ۱۳۸۱ ، صفحه ۷۳ و ۷۴

محمدتقی سرمدی، دایره المعارف پژوهشی در تاریخ پزشکی و درمان جهان از آغاز تا عصر حاضر، کتاب اول، طب اسلامی، انتشارات سرمدی، تهران، ۱۳۷۹ ، چاپ دوم، صفحه ۸۹-۹۲

. هنری ا. زیگرلیست، پزشکان نامی، ترجمه کوکب صورتگر، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲، صفحه ۲۸ و ۲۹

ناصر پویان، «از افسانه تا حقیقت: اسقلیبوس، بقراط و جالینوس» ، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و دانشگاه علوم پزشکی چهارمحال و بختیاری و مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، تهران ، ۱۳۸۸ ، صفحه ۷۸ - ۱۴۲